

تحلیل حقوقی اقتصادی قواعد حاکم بر قراردادهای لیسانس

(مطالعه رویکرد نظام حقوقی آمریکا و رهنمودهایی برای نظام حقوقی ایران)

دکتر علی ساعت چی

استادیار گروه حقوق خصوصی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد

دکتر امید محمدی نیا

دکتری حقوق خصوصی

چکیده

یکی از موضوعات چالش برانگیز نظامهای حقوقی این موضوع است که در بر خورد با قراردادهای حوزه مالکیت فکری و از جمله لیسانس چه قواعد حقوقی حاکم است؟ در واقع، این سوال اساسی وجود دارد که موضوعات قراردادی چون مرحله تشکیل قرارداد، تعهدات طرفین، موارد مربوط به شیوههای انحلال قرارداد و... تابع چه قواعدی است؟ برای پاسخ این پرسش مهم، نظام حقوقی آمریکا در حوزه تقنینی، قضایی و دکترین از دیر باز، با آن مواجه بوده است. در حوزه تقنینی، تلاشهایی در جهت تخصصی کردن قواعد حاکم بر قرارداد لیسانس و به طور ویژه در حوزه نرم افزار صورت گرفته، که به جهت کلی بودن این قواعد و شباهت آن با حوزه قراردادهای کالا، عموماً مورد اقبال ایالات مختلف قرار نگرفته است. در حوزه قضایی نیز رویکرد اکثریت دادگاه ها به سمت اعمال قواعد حوزه کالا بر قراردادهای اطلاعات محور است. اما در دکترین حقوقی آمریکا، با وجود نظر اکثریت، دکترین نافذ بر این دیدگاه است که در تشخیص قواعد حاکم بر قراردادهای لیسانس باید با توجه به موضوع خاص این دسته از معاملات و به ویژه عرف تجاری خاص قرارداد لیسانس به تعیین قواعد مناسب پرداخته شود. به همین مناسبت، نوشته حاضر با رویکرد اقتصادی و حقوقی، به این نتیجه دست یافته که اصولاً در تبیین قواعد حاکم بر قرارداد لیسانس لازم است بستر تجاری قراردادهای مالکیت فکری، قالب قراردادی لیسانس و ماهیت موضوع قرارداد (اطلاعات) مورد مطالعه قرار گیرد.

کلید واژگان: لیسانس، حقوق قراردادها، قواعد تکمیلی، عرف تجاری، قالب قراردادی، تحلیل اقتصادی.

مقدمه

رشد روز افزون صنعت اطلاعات و حجم گسترده‌ای از تولیدات اقتصادی بر پایه صنعت اطلاعات محور اختصاص یافته است. به طوری که دارنده دارایی فکری که عموماً مخترعین حوزه‌های دانشگاهی و تحقیقاتی هستند برای تجاری سازی دارایی فکری، خود اقدام به انعقاد قرارداد می‌نمایند که اصولاً قالب قراردادی مناسب برای انتقال اطلاعات مزبور، قرارداد لیسانس است. زیرا همان گونه که امروزه عمده معاملات تجاری در حوزه کالا بر مبنای قرارداد بیع یا فروش صورت می‌گیرد، در حیطه محصولات دانش فکری، انتقال آن عمدتاً از طریق قرارداد لیسانس واقع می‌شود و در برخی از موارد نیز ترکیبی از این دو نوع قرارداد (انتقال و لیسانس) ملاحظه می‌گردد. با این وجود، سوال اساسی که در این زمینه مطرح می‌شود آن است که با وجود کاربرد شایع قرارداد لیسانس در جوامع صنعتی و به صورت محدودتر در جوامع در حال توسعه همچون ایران، آن است که در صورت بروز اختلاف در خصوص اجرای تعهدات قراردادی، چه قواعد حقوقی حاکم است؟^۱ قانون ثبت اختراعات، طرح های صنعتی و تجاری مصوب ۱۳۸۲ پاسخی در این زمینه ارائه نداده و رویه قضایی نیز تاکنون فرصت ابراز نظر نداشته است.^۲ وجود این خلاء قانونی و فقدان رویه قضایی از منظر تحلیل اقتصادی نیز وضعیت مطلوبی نیست؛ زیرا قانون مناسب هرچند از لحاظ حقوقی مجموعه مقررات کلی همراه با ضمانت اجرای مناسب است اما از نقطه دیدگاه تحلیل اقتصادی، مشابه کالای عمومی و سرمایه‌ای است که با اعطای اطلاعات، انضباط گرای و توسعه گرای را تحقق می‌بخشد و منجر به افزایش کارآمدی نهادهای اجتماعی می‌شود (posner, 1973:15) به همین دلیل، نیازشناسی تقنینی که مقدم بر ارائه پیش نویس قانون و فرآیند تبدیل آن به قانون است از منظر اقتصادی نوعی بازاریابی تقنینی است که سبب افزایش ثروت و رفاه اجتماعی می‌گردد (خاندوزی، ۱۳۸۶: ۳۰۱-۳۰۱ و کیلیان، ۱۳۹۰: ۲۷۹-۲۷۹-جلالی ۱۳۸۷: ۲۹) همچنین رویه قضایی و دکتترین نظام حقوق ایالت متحده

۱- باید به این نکته توجه داشت که مقصود از «قواعد حاکم بر قراردادهای لیسانس» به معنای اعمال قانون حاکم بر قراردادهای موضوعی که در حقوق بین الملل خصوصی در تعیین قانون حاکم قرارداد است نمیباشد. بلکه مقصود آن است که چه قواعد ماهوی باید در تفسیر و اجرای قراردادهای حوزه لیسانس اختراعات جاری شود. همچنان که در برخی از حوزههای دیگر قوانین خاصی در رابطه با موضوع حکم فرما است، به عنوان نمونه در قراردادهای بیع مصرف و یا اجاره قواعد خاصی وجود دارد که با توجه به اقتضائات خاص آن ها تدوین شده است. بنابراین مسئلهای اصلی آن است که آیا حوزه حقوق مالیکت فکری و اختصاصاً اختراعات، قواعد خاصی در این زمینه وجود دارد یا خیر؟

۲- تا آن جا که نگارندگان، کتب حقوقی و حتی رویه عملی دادگاه های ایران (با وجود اختصاص برخی شعب تخصصی برای رسیدگی به دعاوی مالیکت فکری) را بررسی نمودند، تاکنون با آرائی که بخواهد در خصوص اعمال قواعد حقوقی بر قرارداد لیسانس تصمیم گیری نماید برخورد نمودند. و دکتترین حقوقی ایران نیز در خصوص قواعد حاکم بر قراردادهای مالیکت فکری، موضوعی را مطرح نمودند. البته باید توجه داشت برخی نویسندگان (به عنوان نمونه؛ محسنی و دیگران، ۱۳۹۲: ۱۱۰-۱۱۰ - محمدی، ۱۳۸۷: ۱۴۶) این تلاش را داشتهاند که قالب قراردادهای مالیکت فکری و به خصوص حوزه حقوق مالیکت ادبی و هنری را با قالب های سنتی مورد مقایسه قراردادهای با این حال، هیچ یک از نوشته های ذکر شده به این مهم نپرداخته است که در موارد اختلاف و یا تفسیر تعهدات در قراردادهای لیسانس، چه مقررهای حاکم است.

آمریکا از دیر باز با این سوال مواجه بوده و آراء مختلف و متعارضی از سوی دادگاه ها در این زمینه صادر شده است. به طوری که عده‌ای از حقوقدانان و دادگاه ها، قواعد حوزه اطلاعات را تابع قوانین کالا دانسته و در مقابل، دسته‌ی دیگر با این موضوع مخالفت نموده‌اند. با این استدلال که عمدتاً قواعد حقوقی موجود با عرف تجاری^۳ و یا اقتضائات خاص قراردادهای اطلاعات محور هماهنگی ندارد. این موضوع در حوزه قانون‌گذاری نیز مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته، به طوری که نظام حقوقی آمریکا در جهت تدوین قواعد خاص در خصوص قراردادهای لیسانس، اقدامات موثری را صورت داده‌اند که رهنمودهای مناسبی برای تحلیل قواعد حقوقی حاکم بر قراردادهای لیسانس تلقی می‌گردد. به عنوان نمونه، در حوزه قراردادهای لیسانس نرم افزار؛ به جهت تغییرات بنیادین محیط اقتصادی و لزوم شفافیت در این حوزه از حقوق قراردادهای، سبب شده اولین قانون متحد الشكل در رابطه با اقتصاد اطلاعات محور به تصویب برسد و بستر مناسبی را برای فضای روابط قراردادی خاص این قراردادها فراهم نماید. به همین منظور، پژوهش حاضر ضمن مطالعه و تحلیل رویکرد تقنینی، قضایی و دکترین نظام حقوقی ایالت متحده آمریکا (۱) با نگرشی اقتصادی به شناسایی قواعد حقوقی^۴ حاکم بر قراردادهای لیسانس می‌پردازد (۲)

۱- مطالعه رویکرد نظام حقوقی ایالات متحده آمریکا

در این قسمت ابتدا به بررسی نظام آمریکا از جنبه حقوقی پرداخته می‌شود (۱-۱) و سپس تحلیل اقتصادی این رویکرد مورد بررسی قرار می‌گیرد. (۲-۱)

۱-۱- تحلیل حقوقی

نظام حقوقی آمریکا یکی از بزرگترین جوامع صنعتی است که از دیرباز در حوزه قراردادهای اطلاعات محور، از گذشته متوجه این خلاء قانونی در خصوص قواعد حقوقی حاکم بر قراردادهای اطلاعات محور بوده است. به همین جهت، دکترین حقوقی برای پاسخ به این سوال مهم^۵ به دو گروه عمده تقسیم شده‌اند؛ دسته نخست قائل به اجرای قواعد کالا محور بر قراردادهای لیسانس بوده و گروه دوم با آن مخالف می‌باشند. گروه نخست با این استدلال که اگرچه ماده ۲ قانون متحد الشكل آمریکا^۶ بر بیع بودن قرارداد تاکید دارد و لیسانس نیز از حیث فنی به عنوان بیع شناخته نمی‌شود؛ با این حال، مانعی برای عدم اعمال قواعد حوزه کالا وجود ندارد، زیرا آن چه که لیسانس گیرنده دریافت می‌کند حق با ارزشی است که لازمه کسب دانش است. بنابراین لیسانس اطلاعات، ایده و یا طرح شبیه لیسانس کالای تولید شده است. علاوه بر این که رابطه میان لیسانس دهنده و لیسانس گیرنده شبیه رابطه فروشنده و خریدار است در نتیجه، تفاوت شکل قرارداد، نمی‌تواند در حقوق طرفین تاثیرگذار

3 - Commercial practice

۴- باید توجه داشت در پژوهش حاضر تنها به تحلیل قواعد تکمیلی در حوزه قراردادهای لیسانس پرداخته میشود زیرا تبیین قواعد آمرانه نیازمند تحلیل دیگر و بررسی ابعاد مختلف دارد که از حوصله بحث خارج است.

۵- با وجود تصویب قانون اختراعات در سال ۱۹۵۰ میلادی و با آخرین اصلاحات در سال ۲۰۱۲ میلادی، هیچگونه مقرره خاصی در زمینه قواعد حاکم بر قراردادهای لیسانس اختراع به تصویب نرسانده است. این حال، ایالت «اکلاهما» در ماده ۲ بخش ۱۰۶ را اینگونه اصلاح کرده است که قرارداد فروش، شامل قراردادهای لیسانس نمیگردد. اما در ادامه تعیین نمیکند که چه مقرره‌های در این زمینه حاکم است؟

باشد. زیرا در مواردی که قرارداد فروش و لیسانس در اهداف اساسی مساوی باشند، وجود چنین تفکیکی در قواعد ماهوی نادرست است. (Vukowich, 1968:174) با این حال، برخی دیگر از حقوقدانان آمریکایی پا را فراتر گذاشته و معتقد هستند از حیث فنی، قرارداد لیسانس یک قرارداد بیع تلقی می‌گردد، با این تفاوت که در آن نوعی شرط ذخیره مالکیت و برخی شروط محدودکننده در استفاده از موضوع لیسانس وجود دارد (Broacher, 2006:276) در مقابل این دیدگاه، برخی از دکتربین نافذ حقوق مالکیت فکری بر این قول هستند که قواعد ماده ۲ قانون متحد الشکل کاملاً بی ارتباط با قراردادهای لیسانس است چراکه موضوع قراردادهای کالا متفاوت از موضوع قراردادهای لیسانس است^۷ (Nimmer, 2006:235) به عبارت بهتر، در چهارچوب معاملات کالا محور، خریدار تنها نسبت به کالای موجود این حق را دارد که تنها از کالا استفاده کرده و یا به دیگری واگذار نماید. در حالی که در قراردادهای اطلاعات محور و از جمله نرم افزار و یا اختراعات، انتقال گیرنده می‌تواند با تجاری سازی آن در طیف گسترده‌ای از منافع آن بهره‌مند گردد؛ در این وضعیت، بهترین بستر و قالب قراردادی جهت توسعه و استفاده تجاری از دارایی فکری، قرارداد لیسانس است. در واقع، تجاری سازی اطلاعات^۸ به عنوان ویژگی ذاتی قراردادهای حوزه مالکیت فکری محور شناخته شده و این خصیصه موجب می‌گردد که فضای معاملاتی قرارداد لیسانس متفاوت از قرارداد فروش کالا باشد و در نتیجه، قواعد حاکم بر قرارداد لیسانس متفاوت از قواعد نظام کالا محور است. (Nimmer, 1998, p.832)

۹

در خصوص رویه قضایی، دادگاه‌های ایالت‌های مختلف آمریکا در برخورد با این موضوع دچار نوعی سردرگمی شده‌اند که اساساً چه مقرراتی بر این موضوع حاکم است. (Kissman, 2004 p.568) با این حال، دیدگاه غالب دادگاه‌های آمریکا بر این است که در اختلاف دعوی مربوط به حوزه لیسانس نرم افزار رایانه‌ای،^{۱۰} قواعد کالا جاری است^{۱۱} که البته ادله دادگاه، در پذیرش این موضوع در خور توجه است^{۱۲} به این صورت که برخی دادگاه‌ها با این استدلال که نرم افزار همان کالا است،

۷- در حوزه مسئولیت مدنی، مطابق بازخوانی سوم مسئولیت مدنی (Restatement third of torts) صراحتاً تولیدات مبتنی بر اطلاعات را متفاوت از تولیدات مادی تلقی نموده است. اگرچه در این زمینه نیز برخی از حقوقدانان آمریکایی معتقد هستند که در حوزه مسئولیت مدنی نیز لیسانس دهنده می‌تواند مسئول قلمداد گردد. ر.ک (Kimball, 1981:810)

8 - Commercialization of information

۹- در این زمینه برخی از حقوقدانان خارجی با اعمال قواعد نظام کالا در لیسانس مالکیت فکری مخالفت نموده‌اند، به همین منظور اقدام به ارائه برخی از پیش نویسهای قانونی جهت قواعد خاص حاکم بر قراردادهای مالکیت فکری نموده‌اند، با این حال، اقدامات صورت گرفته در زمینه حقوق قراردادهای مالکیت فکری، بسیار کلی و مجمل بوده و دقیقاً همان مباحث حقوق قراردادهای بیع کالا را در زمینه قراردادهای لیسانس ارائه داده‌اند. و معیار جدیدی را در این خصوص بیان نمیکنند. (Brennan, 2016:34)

۱۰- همچنان که مشخص است نرم افزار در بسیاری از موارد می‌تواند جنبه اختراع داشته باشد. همچنان که ماده ۲ قانون حمایت حقوق پدیدآورندگان نرم افزارهای یارانه‌ای مصوب ۱۳۷۹ بیان میدارد که در صورت وجود شرایط مقرر در قانون ثبت علائم و اختراعات، نرم افزار به عنوان اختراع شناخته می‌شود^{۱۱}

۱۱- به عنوان نمونه، برای ملاحظه آراء متعددی که قواعد کالا و مندرج در ماده ۲ را مناسب قراردادهای حوزه لیسانس میدانند. ر.ک (Doe et al, 2007).

۱۲- برخی از دادگاهها برای تعیین قانون حاکم دعوی مختلط (به این معنا که عنصر مادی و فکری توأمان وجود داشته باشد همچون فروش نرم افزار در قالب لوح فشرده) معیار اصل شکایت را مبنا قرار داده (Gravamen test) به این معنا که اگر خواهان در دعوی طرح شده، خواسته خود را مطالبه لوح فشرده حاوی اطلاعات قرار دهد، دادگاه دعوی مورد نظر را مشمول ماده ۲ میدانند و از سوی دیگر اگر خواهان دعوی خود را مبتنی بر نرم افزار بخواهد، دادگاه ماده ۲ را اعمال نخواهد کرد. در مقابل، دیدگاه اکثریت دادگاههای آمریکا در خصوص قانون حاکم، معیار هدف عمده معامله است. (Predominant purpose test) بر این اساس،

قواعد حقوق کالای مادی را بر قرارداد لیسانس جاری می‌دانند. گروهی دیگر از قضات با استفاده از معیار هدف عمده معامله^{۱۳} قواعد این حوزه را اعمال کرده و در نهایت، برخی از دادگاه های آمریکا با رویکرد قیاس^{۱۴} به چنین نظری دست یافته‌اند. (Richard, 2006: 2-4) با این وجود، تعداد اندکی از مراجع رسیدگی کننده، با این موضوع مخالف بوده و استدلال نموده‌اند که اعمال قواعد حاکم بر قرارداد لیسانس از طریق قیاس و یا معیار هدف غالب و اعمال ماده ۲ نمی‌تواند راهگشای مسئله باشد چرا که در تعیین قواعد حاکم بر قراردادهای لیسانس، باید موضوع قرارداد، قواعد و سیاست‌های موجود در خصوص اطلاعات را مورد ارزیابی قرارداد.^{۱۵} به همین منظور، عدم وجود مقررره خاص در زمینه رفع اختلافات طرفین قرارداد لیسانس، سبب شده است در جهت سامان دهی قواعد حاکم بر این قراردادها، در حوزه کپی رایت و در سال ۱۹۹۷ پیش نویسی از سوی سازمان حقوقی آمریکایی (ALI)^{۱۶} و کنفرانس ملی نمایندگان در خصوص حقوق متحد الشکل ایالاتی (NCCUSL)^{۱۷} موسوم به اصلاح ماده ۲ و با عنوان «ماده ۲ ب قراردادهای لیسانس» به تصویب برسد (UCC ARTICLE 2 B LICENSE) و در سال ۲۰۰۲ میلادی، پیشنویس مذکور مبنای تصویب «قانون متحد الشکل معاملات اطلاعات رایانه‌ای» (UCITA)^{۱۸} قرار گرفت. با این حال، قانون مزبور تنها در دو ایالت «ورجینا» و «مریلند» مورد پذیرش قرار گرفت. به این جهت که اولاً مطابق ماده ۱۰۵ قسمت الف) قانون مزبور به ایالات مختلف این اجازه داده شده است که در صورت عدم پذیرش، قابلیت اجرای قانون نرم افزار یارانه‌ای وجود نداشته باشد. و دوم آن که مدونان آن، جهت پذیرش قواعد این قانون توسط ایالات مختلف، سعی نموده‌اند که مقررات آن شباهت فراوانی با موارد مندرج در ماده ۲ قانون متحد الشکل داشته باشد. بنابراین نوآوری چندانی از این حیث ملاحظه نمی‌گردد. (Moringiello et al, 2010: 7) همچنین توضیحات و شرح هایی که نسبت به مواد این اصول وجود دارد، هیچ کدام اشاره به این موضوع نکرده‌اند که چرا قوانین مربوط به حوزه کالا به طور کافی عملکرد مناسبی در قرارداد لیسانس ندارند. (Ibid:2)^{۱۹} عدم استقبال مذکور از سویی و نیاز جامعه صنعتی مبتنی بر اطلاعات در ایالات متحده آمریکا موجب شد، موسسه حقوقی آمریکایی در سال ۲۰۰۹ میلادی با تصویب قواعدی تحت عنوان «اصول قراردادهای نرم افزار»^{۲۰} در جهت رفع معضلات به وجود آمده مقررات خاص در زمینه لیسانس نرم افزار تدوین نماید. با این حال، اصول مذکور نیز در تدوین قوانین

دادگاه موضوع معامله را مورد توجه قرار داده و سپس قانون حاکم را تعیین مینماید. رویکرد اخیر در جاری دانستن قواعد ماده ۲ قانون متحد الشکل بر قراردادهای لیسانس نیز بسیار کاربرد داشته و اکثریت دادگاه ها به چنین معیاری استناد مینمایند.

13 -Predominant purpose test

14 - Analogy

۱۵- دادگاه فدرال بخش جنوبی نیویورک در دعوای «شرکت استودیوهای یونیورسال سیتی علیه ریمدز و شرکت استودیوهای یونیورسال سیتی علیه کورلی. قائل به چنین دیدگاهی است.

Universal City Studios, Inc. v. Reemerges, 82 F.Supp.2d 211 (S.D.N.Y. 2000), aff'd. Universal City Studios, Inc. v. Corley, 273 F.3d 429 (2nd Cir. 2001)

۱۶ -The American law institute

۱۷ -National conference of commissioners on uniform state laws

۱۸ - Uniform computer information transaction act

۱۹- گذشته از نقدهایی که به قانون فوق الذکر شده است باید توجه داشت که این قانون در برخی موارد مشکلات به وجود آمده در عرصه خرید نرم افزارهای رایانه‌ای را بر طرف کرده است به عنوان نمونه،

20 -Principle of law of software contracts

خاص حوزه لیسانس، چندان موفق عمل نکرده است؛ زیرا اصول قراردادهای نرم افزار نسبت به شناسایی معیارهای شناخت قواعد حقوقی توافق لیسانس هیچ گونه مقررهای را بیان ننموده است. بنابراین همان گونه که ملاحظه می گردد تحلیل حقوقی قواعد حاکم بر قرارداد لیسانس در گروهی شناسایی صحیح قرارداد لیسانس و عرف تجاری حاکم بر آن است که در ادامه به این مهم پرداخته می شود.

۱-۲- تحلیل اقتصادی

عدم وجود قوانین روشن و کارآمد از منظر تحلیل اقتصادی، وضعیت نامطلوبی ارزیابی می گردد که با افزایش هزینه معاملاتی کارایی روابط حقوقی را در این محدوده کاهش می دهد و از رفاه اجتماعی می کاهد. با این حال، همان گونه که ملاحظه گردید در نظام حقوقی آمریکا تلاش هایی از جنبه های تقنینی و قضایی صورت گرفته که آثار سوء این وضعیت را کاهش دهد؛ در حالی که به دلیل فقدان قانون و رویه قضایی مناسب در حقوق ایران تبعات بیشتری از منظر اقتصادی متوجه حقوق ایران خواهد بود. تبیین این آثار سوء با استفاده از تحلیل اقتصادی در قالب نظریات «هزینه معاملاتی» و «تئوری بازی ها» در ادامه آشکار خواهد شد.

۱-۲-۱- تحلیل مبتنی بر هزینه معاملاتی

از منظر رونالد کوز؛ خالق تئوری هزینه معاملاتی؛ در تحقق هر قرارداد، متعاملین هزینه هایی را متحمل می شوند که از جمله این هزینه ها، هزینه انعقاد و اجرای قرارداد است^{۲۱} (stigler, 1996: 113) در این مسیر، هرچقدر قواعد حقوق مالکیت و نهادهای قراردادی مشخص و کارآمدتر باشند هزینه معاملاتی کاهش می یابد (Calabresi, 1968: 69) و با کاهش هزینه ضمن اینکه بهره وری اجتماعی محقق می گردد، رغبت عمومی در جهت روی آوردن به انعقاد قرارداد افزایش می یابد و در نهایت به رفاه اجتماعی منجر می شود.

در حقیقت از یک منظر، برپایه نظریه چانه زنی^{۲۲} که از فروع نظریه هزینه معاملاتی است در فرضی که حقوق مربوط به مالکیت و شیوه انتقال آن روشن است؛ به دلیل وجود اطلاعات عمومی ارزان، اشخاص عمدتاً با چانه زنی هزینه کمتری برای انعقاد قرارداد می پردازند در حالی که وقتی این گونه حقوق به دلیل فقدان نهادهای کارآمد قانونی در هاله ای از ابهام قرار می گیرد؛ اطلاعات جنبه شخصی پیدا می کند و تشخیص مقادیر تهدید (انعقاد قرارداد ناکارآمد) و راه حل های همکاری (وجود قوانین اشکار که بتواند وظایف متعاملین را در مرحله اجرا و نقض تعهد اشکار سازد) امکان پذیر نمی گردد و چه بسا متعاملین نیز در این مسیر با توجه به رویکردی فرصت گرایانه^{۲۳} از انتشار اطلاعات شخصی (ارزش موضوع قرارداد، هدف معاملاتی، شیوه اجرای تعهد...) خودداری نمایند و همین موضوع هزینه چانه زنی را افزایش می دهد و سبب رغبت کمتری در انعقاد قرارداد می گردد (کوتر و دیگران، ۱۳۹۲: ۱۲۰ و ۱۲۱).

21 -Policing and Enforcement costs

22 -Bargaining theory

23 - Opportunistic Approach

از نقطه دیدگاه دیگر، در صورت شناسایی و وجود قوانین مشخص درخصوص قرارداد لیسانس و تعریف نهادی مشخص که شیوه انعقاد، اجرا، تفسیر و ضمانت اجرای نقض قرارداد را معین سازد اشخاص هزینه کمتری برای انعقاد قرارداد خواهند پرداخت؛ چرا که قواعد معین شده به عنوان اطلاعاتی عمومی در اختیار متعاملین قرارداد و ایشان نیز هیچ گونه الزامی به تعیین تمام حالت های قراردادی ندارند و می توانند قرارداد خود را به قوانین موجود متکی ساخته و هزینه اقتصادی و غیراقتصادی کمتری برای انعقاد و اجرای تعهد بپردازند.

شاید یکی از دلایل دکترین و رویه قضایی آمریکا در اعمال قواعد مربوط به قراردادهای کالا محور بر قراردادهای لیسانس و تلاش برای پی ریزی فرم های مشخص قراردادی، کاستن از هزینه معاملاتی بوده است. به عبارت دیگر، نبودن فرم مشخص قراردادی و ابهام در شرایط ایجاد و اجرای قراردادهای لیسانس و مشخص نبودن ماهیت حق انتقالی، هزینه جست و جوی قانون مناسب، تنظیم قرارداد کامل، پیش بینی راهکارهای اجرایی و تعیین ضمانت اجرای کارآمد را در این گونه قراردادهای افزایش می دهد. علاوه بر آن، چنین وضعیتی، هزینه طرح دعوا و رسیدگی قضایی به اختلافات ناشی از این نوع قراردادهای را نیز افزایش داده و تعیین عنوان صحیح خواسته، جلوگیری از رویه های مشتت قضایی و تفسیرهای متعارض و غیرقابل پیش بینی بودن نتیجه دعوا هزینه های اقتصادی و غیراقتصادی است که بر متعاملین بار می شود. در حالی که استفاده از منابع موجود که همانا قواعد مربوط به قراردادهای کالا محور است؛ تا قبل از تصویب قانونی جامع و مانع؛ می تواند به افزایش کارایی تخصصی که به معنای بهترین استفاده از امکانات موجود است (موریس و دیگران، ۱۳۹۳، ج ۱: ۲۸۰) بیانجامد.

۱-۲-۲- تحلیل مبتنی بر تئوری بازی^{۲۴}

بر مبنای این نظریه که نخستین بار با اثر فون نیومن^{۲۵} و اسکار منگسترن^{۲۶} در قالب اثر «نظریه بازی ها و رفتار اقتصادی»^{۲۷} وارد ادبیات اقتصاد خرد گردید؛ هر رفتار اجتماعی به مثابه یک بازی است که در آن سه عنصر بازیگرها، راهبردهای هر بازی، و پیامدهای راهبردی، دخیل است. (بادینی و دیگران ۱۳۹۰: ۲۶) قرارداد نیز به عنوان یک رفتار اجتماعی ارادی از این قاعده مستثنی نیست. بر این اساس، هر قرارداد یک وضعیت گونه است که در فضایی از عقلانیت اقتصادی مبتنی بر سود - هزینه از بازی گرانی (متعاملین) تشکیل می گردد (Smith, 2004: 57) که بر مبنای پیامدهای راهبردی (آثار و ضمانت اجرای قراردادی) راهبردهای خویش را در روند تشکیل و اجرای یک قرارداد مشخص می سازند. (رفتاری دایر مدار تشکیل یا عدم تشکیل و اجرا یا عدم اجرای قرارداد). اتخاذ هر یک از این راهبردها بر اساس اطلاعاتی است که در فضای بازار وجود دارد و بر همین مبنا انتظارات معقول و ترجیحات طرفین قرارداد شکل می گیرد. به عبارت بهتر، هر بازیگر (معامل) با بررسی نحوه تشکیل، اجرا و

²⁴ - Theory of games

²⁵ - John Von Neumann

²⁶ - Oskar Mongenstern

²⁷ - Theory of Games and Economic Behavior

نظارت بر هر نهاد قراردادی و بر پایه انتظاری که از هر نهاد قراردادی دارد تصمیم می‌گیرد که قراردادی را منعقد سازد و در مسیر اجرای آن گام بردارد یا اینکه اصلاً به سمت انعقاد قرارداد نرفته و یا در صورت ورود به بازی قراردادی آن را نقض نماید. بر همین اساس، معین بودن قوانین حاکم بر قراردادهای لیسانس، امری ضروری تلقی می‌گردد. در نتیجه، وظیفه حقوق قراردادهای نیز در این مسیر ایجاد «محیط امن قراردادی»^{۲۸} است (موریس و دیگران، پیشین: ۱۱) چرا که نظام حقوقی، نظام الزام رفتاری است که بر اساس دیدگاه هارت، قواعد «اعطا کننده قدرت»^{۲۹} در آن تعیین می‌نمایند که مردم باید چگونه رفتار نمایند (ریدی، ۱۳۹۲، ص ۲۶). در غیر این صورت، هیچ راهبرد قراردادی وجود ندارد تا بر پایه اطلاعات اتخاذ شده از آن بازیگرها (متعاملین) بتوانند با ورود به یک بازی (انعقاد قرارداد) آثار مطلوب آن را در نگاه فردی برای خود (بهرمندی از سودمندی قراردادی) و در رویکرد کلان برای جامعه (افزایش رفاه اجتماعی) کسب نمایند و به دیگر سخن هیچ انگیزه‌ای برای انعقاد چنین قراردادهایی باقی نمی‌ماند. و در صورت تحقق قرارداد نیز به دلیل مشخص نبودن شیوه اجرا و ضمانت‌های اجرایی همواره احتمال کژمنشی و نقض قرارداد نیز فراهم است.

به همین دلیل نیز در نظام حقوقی آمریکا دکتترین و رویه قضایی تلاش کرده‌اند که با ارائه تفاسیری از قراردادهای لیسانس تا زمانی که قانونی کامل و جامع تصویب نگردیده، مقررات قواعد کالا را بر این گونه عقود بار سازند تا همین اطلاعات فعلی بتواند امکان تحقق یک بازی تعاملی را در جامعه فراهم سازد.

۲- شناسایی معیارهای موجود در خصوص قواعد حاکم بر قرارداد لیسانس

با توجه به رویکرد تقنینی، رویه قضایی و دکتترین نظام حقوق آمریکا، و با عنایت به تحلیل اقتصادی صورت گرفته در این حوزه و در عین حال، برخی از نارسایی‌های موجود، جهت شناسایی هرچه بهتر قواعد حاکم بر قرارداد لیسانس، معیارهای شناسایی قواعد حاکم بر این قراردادها مورد بررسی قرار بگیرد. نکته‌ای که در آغاز باید توجه داشت آن است که مراد از قواعد تکمیلی^{۳۰}، قواعدی است که تراضی بر خلاف آن در قرارداد جایز است. بنابراین چنین قواعدی اعم از قانون تکمیلی و عرف قراردادی است. توضیح آن که قواعد تکمیلی؛ در حقیقت، اراده متعاملین را تفسیر و یا تکمیل می‌کنند و می‌توان فرض کرد که طرفین قرارداد با عدم توافق بر خلاف آن، نظر به اجرای آنها داشته‌اند^{۳۱} به عبارت دیگر، قانون حاکم بر قرارداد همانا توافق صریح طرفین است. به همین منظور؛ جهت شناسایی هرچه بهتر قواعد حاکم بر قرارداد لیسانس، نخست بستر تجاری

۲۸ - Perfect Contract Environment

۲۹ - Power conferring Rules

۳۰ - Default rules

۳۱- بنابراین مقررات تکمیلی یا تفسیری برای تکمیل یا تفسیر اراده اشخاص و حفظ منافع متعاملین، در صورت سکوت آنان وضع شده‌اند و افراد می‌توانند بر خلاف آنها توافق کنند. (صفایی، ۱۳۸۵: ۵۰)

حقوق قراردادهای مالکیت فکری شناخته شده (۱-۲-) و سپس قالب قراردادی قرارداد لیسانس تعیین گردد (۲-۲) و در نهایت، ماهیت موضوع این دسته از قراردادها که اطلاعات است (۳-۲) مورد توجه قرار می‌گیرد.^{۳۲}

۱-۲- بستر تجاری حقوق قراردادهای مالکیت فکری

همانگونه که بیان شد نظام قراردادهای حقوق مالکیت فکری، محیط صنعتی متفاوت و در نتیجه عرف صنعتی^{۳۳} متفاوتی را اقتضاء می‌کند بنابراین مقصود از بستر تجاری قراردادهای حوزه مالکیت فکری، عرف تجاری است که قراردادهای لیسانس در آن شکل می‌گیرد. به این معنا که عرف تجاری قرارداد لیسانس قواعد ویژه و اختصاص به خود را می‌طلبد که در برخی موارد متفاوت از عرف تجاری قراردادهای کالا محور است. به عنوان نمونه، در رابطه با قراردادهای کالا این تعهد ضمنی وجود دارد که فروشنده نسبت به عیوب مادی کالای فروخته شده مسئولیت دارد. که این موضوع تحت عنوان وارانتهی ضمنی کیفی^{۳۴} یا وارانتهی تطابق برای هدف مورد نظر^{۳۵} شناخته می‌شود. و ممکن است این تعهد تضمینی از قوانین موجود،^{۳۶} روند معامله و یا عرف تجاری استنباط شود (Kutner, 1977:744) بنابراین در صورتی که پس از انعقاد قرارداد کشف شود که موضوع مورد معامله معیوب بوده، فروشنده ضامن عیوب آن است. با این حال، در حوزه قراردادهای لیسانس، سوالی که مطرح می‌گردد آن است که آیا لیسانس دهنده در زمان انعقاد قرارداد، تعهدی مبنی بر تضمین عیوب مادی موضوع اختراع دارد یا خیر؟ به عبارت بهتر، در صورتی که اختراع مورد لیسانس از کارکرد مطلوب فنی و یا تجاری بر خوردار نباشد، چه مسئولیتی متوجه لیسانس دهنده است؟ پاسخ سوال مذکور همواره مورد مناقشه دکتترین و رویه قضایی دادگاه های ایالتی و فدرال آمریکا و سایر نظام های حقوقی بوده است و عمدتاً با قیاس با قراردادهای کالا محور به مسئله پاسخ داده‌اند. (Byrne et al, 2005:206) با این حال، به نظر می‌رسد که عرف تجاری حوزه حقوق قراردادهای مالکیت فکری نشان می‌دهد، هیچ‌گونه تعهد ضمنی مبنی بر تضمین کیفیت اطلاعات و به خصوص در حوزه اختراعات وجود ندارد. (Nimmer, 2000:289) بنابراین در حوزه حقوق مالکیت فکری و علاوه بر آن در حوزه اختراعات، هیچ‌گونه تعهد ضمنی مبنی بر تضمین کیفیت مورد نظر وجود ندارد. و قیاس دو عرف قراردادی کاملاً متفاوت، امری نادرست است. بنابراین، در صورتی که طرفین قرارداد مایل هستند که چنین تعهدی در قرارداد وجود داشته باشد، ناگزیر از درج صریح آن در قرارداد هستند. یا آن که با تدوین قوانین تکمیلی در این حوزه، همچون قانون متحد الشکل نرم افزارهای رایانه‌ای (ماده ۴۰۳) چنین موضوعی صراحتاً پیش بینی شود.

۳۲- Transactions in computer information involve different expectations, different industry practices, and different policies from transactions in goods

۳۳- Industry practices

۳۴- Implied warranty of quality

۳۵- Implied warranty of fitness for a particular purpose

۳۶- به عنوان نمونه در نظام حقوقی آمریکا مطابق مقرره ۳۱۳ قانون متحد الشکل تجاری، فروشنده به محض فروش کالا، این تضمین را ارائه می‌دهد که کالای فروخته شده فاقد هر گونه عیوب ظاهری و مخفی است. در حقوق آلمان نیز مطابق بند ۲ ماده ۴۳۴ و ماده ۴۳۵ مال فروخته شده باید عاری از هر گونه عیوب مادی و حقوقی باشد که این مقرره نیز اشاره به تضمینات فروشنده در هنگام بیع دارد. (Manfred, 2003:149) و یا در حقوق فرانسه ماده ۱۶۲۵ بر این موضوع تاکید مینماید.

از منظر تحلیل اقتصادی نیز در شرایط نبود قانون مشخص، استناد به عرف معاملاتی و معتبر دانستن شروط عرفی می‌تواند هزینه معاملاتی را کاهش دهد. در ادبیات اقتصادی معمولاً قراردادهای ناقص منعقد می‌شوند و منظور از قراردادهای ناقص^{۳۷} قراردادهایی است که به دلیل وجود اطلاعات نامتقارن^{۳۸} و عقلانیت محدود^{۳۹} (عدم اطلاعات کافی درباره احتمالات آینده قراردادی) طرفین نمی‌توانند تمام جنبه‌های قرارداد را پیش بینی نمایند و برای هر احتمالی در آینده راهکاری حقوقی بیندیشند (Craswell, 2000: 1). این نقص در قراردادهای لیسانس اختراع نه تنها منتفی نیست بلکه بیش از قراردادهای کالا محور است؛ چرا که در وهله نخست اطلاعات کافی در خصوص ارزش اختراع، کیفیت آن، هزینه تجاری سازی و موانع موجود در این راه وجود ندارد و در گام دوم نهاد قانونی مشخصی نیز برای حکومت بر چنین قراردادهایی به صورت صریح پیش بینی نشده است. به همین دلیل، منطبق جایگزینی اقتضا می‌کند؛ حقوق قراردادهای با به رسمیت شناختن قواعد عرفی که مفروض میان طرفین است تحت قاعده «شرط تکمیلی اکثریتی»^{۴۰} این خلا را تا زمان تعیین نهاد معین قانونی مرتفع ساخته و سبب کاهش هزینه معاملاتی و تحقق «اضافه رفاه»^{۴۱} برای متعاقدین گردد. (منکیو، ۱۳۸۸: ۱۷۸-۱۶۰ و کوتر و دیگران، پیشین: ۲۸۶).

۲-۲- قالب قراردادی لیسانس

یکی از مواردی که در شناخت صحیح قواعد حاکم بر قراردادهای لیسانس تاثیرگذار است، درک صحیح و روشن از ماهیت قرارداد لیسانس است، چرا که از دیر باز یکی از اختلافات جدی در خصوص اعمال مقررات تکمیلی بر توافق طرفین لیسانس، این موضوع تلقی شده است. همان گونه که سابقاً عنوان شد در نظام آمریکا، دکتترین حقوقی در خصوص ماهیت قرارداد لیسانس اختلاف نظر داشته‌اند. با این حال، مطالعه این موضوع در نظام حقوقی ایران در گروهی بررسی قوانین موجود و دیدگاه دکتترین در حوزه این دسته از قراردادهای است. در این زمینه، حقوق ایران در خصوص ماهیت قرارداد لیسانس با ابهام رو به رو است زیرا قانونگذار در ماده ۳۹ قانون ثبت اختراعات از واژه «حق استفاده» یاد می‌کند.^{۴۲} و دقیقاً مشخص نیست که مراد از «حق استفاده» مالکیت منافع و یا صرف بهره مندی از منافع دارایی فکری است؟ جالب آن که مطابق ماده ۲۱-۱ بخشنامه سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور تحت عنوان «موافقت نامه، پیوست ها، شرایط عمومی و شرایط اختصاصی قرارداد واگذاری لیسانس و دانش فنی برای فرایند تولید محصول» مصوب ۱۰ آذر ۱۳۸۳ لیسانس را به معنای انتقال حق ساخت، استفاده و فروش اختراع معرفی کرده است. بنابراین ماهیت لیسانس مطابق مقررات و بخش نامه‌های موجود در هاله‌های ابهام است. به همین جهت، نویسندگان داخلی در تفسیر قانون موجود دچار اختلاف شده‌اند به این صورت که عده‌ای از نویسندگان (احسنی افروز،

۳۷ - Incomplete Contract

۳۸ - Asymmetric Information

۳۹ - Bounded Rationality

۴۰ - Majority Supplementary Condition

۴۱ - Welfare Surplus

۴۲ - ماده ۳۹ «دارنده ورقه اختراع میتواند ملکیت یا حق استفاده از موضوع اختراع خود را کلاً یا جزاً به هر طریقی که بخواهد به دیگری منتقل نماید...»

۱۳۹۲:۱۴۸) قائل به اجاره دانستن لیسانس بوده^{۴۳} و دسته‌ی دیگر، ماهیت حقوقی لیسانس را شبیه عقد انتفاع دانسته‌اند (عباس-تبار، ۱۳۹۴:۲۶) و برخی دیگر، قرارداد لیسانس را صرفاً یک عقد اذنی می‌دانند. (زینلی، ۱۳۹۲: ۶۰) به نظر می‌رسد معیار تعیین‌کننده در تشخیص ماهیت عقود، عرف معاملات حاکم است.^{۴۴} این موضوع از این جهت مورد تأیید اکثریت اندیشمندان فقهی و حقوق خارجی قرار گرفته است که هر قرارداد در بستر عرف تجاری مخصوص به خود شکل می‌گیرد، با این حال، این عرف در برخی موارد به صورت قانون تدوین شده و در بسیاری از موارد به صورت غیر مدون است. به همین جهت، تفسیر صحیح قوانین موجود، در گروهی تحلیل صحیح عرف تجاری در حوزه قراردادهای لیسانس است. در این رابطه، مطابق ادعای برخی از نویسندگان، عرف تجاری قراردادهای لیسانس حاکی از این موضوع است که ماهیت این قرارداد، صرفاً تعهد به عدم اقامه دعوا علیه لیسانس‌گیرنده است (Raymond, 2006:245)

با این حال؛ به نظر می‌رسد اختلافاتی که بر سر تعیین ماهیت حقوقی لیسانس وجود دارد عمدتاً اختلاف در تعیین حدود مقتضای اطلاق است نه آن که به مقتضای ذات این قرارداد توجه شود. در نتیجه، دسترسی مشروط اطلاعات بدون انتقال مالکیت به عنوان ماهیت حقوقی قرارداد لیسانس شناخته شده است (Nimmer, 2006, p.245) ^{۴۵} به همین منظور، مناسب‌ترین ماهیت حقوقی قابل تطبیق همانا عقد انتفاع است زیرا اولاً در این قرارداد نیز مالکیت به طرف مقابل منتقل نمی‌گردد و ثانیاً اجازه بهره‌برداری از مال به طرف مقابل داده می‌شود. با این حال، نگارندگان خود اذعان دارد موضوع قرارداد یکی از اساسی‌ترین موارد در تحلیل موضوعات حقوقی قراردادهای اطلاعات محور است اما این مهم سبب نمی‌شود که نتوان در وضعیت کنونی، به تطبیق ماهیت حقوقی آن پرداخت. بنابراین در قرارداد لیسانس این قید وجود دارد که تنها اجازه استفاده از اطلاعات در این مدت داده می‌شود نه آن که حق مالکیت و یا حق انحصاری برای لیسانس‌دهنده به وجود آید.^{۴۶} همان‌گونه که ملاحظه می‌شود همه تحلیل‌های ذکر شده در خصوص لیسانس ساده و یا غیرانحصاری است زیرا در لیسانس انحصاری، گونه‌ای از حق

۴۳- جالب توجه آن که سابقاً نظام حقوقی فرانسه گرایش غالب حقوقدانان بر این دیدگاه است که قرارداد لیسانس همچون عقد اجاره بوده و قواعد راجع به اجاره را بر آن اعمال مینمایند. (Allart, 1887:175) و در نظام حقوق انگلیس نیز در خصوص ماهیت قرارداد لیسانس اختلاف بوده و برخی از نویسندگان حقوقی قائل به اجاره دانستن لیسانس هستند. (Marchese, 2009:192) این درحالی است که در سال ۱۹۸۶ لرد دیپلاک در پرونده «شرکت با مسئولیت محدود آلن و هانوریز علیه شرکت با مسئولیت محدود ژنریکز» Allen & Hanburys Ltd v Generics UK Ltd اعلام کرد که قرارداد لیسانس صرفاً تعهد به عدم اقامه دعوا لیسانس‌دهنده علیه لیسانس‌گیرنده در قبال استفاده از مال فکری است.

«A license passes no proprietary interest in anything, it only makes an action lawful that would otherwise have been unlawful»

۴۴- در خصوص تعیین مقتضای ذات قرارداد، دیدگاه‌های متفاوتی مطرح شده است به عنوان نمونه، برخی از فقهای امامیه «شرح» را معیار مناسب جهت شناخت ماهیت عقود معرفی کرده (کرکی، ج ۴، ۱۴۱۴: ۴۱۲- نجفی، ج ۲۳، ۱۴۰۴: ۲۰۱) و در مقابل، برخی از فقها با این دیدگاه مخالف بوده و عرف معاملات را معیار تشخیص ماهیت عقود تلقی نموده‌اند. (به عنوان نمونه ر.ک نائینی، ج ۲، ۱۳۷۳: ۱۱۲- مراغی، ج ۲، ۱۴۱۷: ۲۴۸)

45-License contracts allocate rights and set limitations on the use of informational or intellectual property. . .
۴۶- همین موضوع مورد تأکید گروهی از دکترین قرار گرفته است که در قرارداد اجاره مستاجر حقوق انحصاری در خصوص استفاده از منافع موجود را دارد در حالی که در قرارداد لیسانس چنین حقوق انحصاری متصور نیست. (Meislik and other:2010 p.568)

مالکیت و یا حقوق انحصاری در اختیار لیسانس گیرنده قرار می‌گیرد (Ladas:1975, P.440)^{۷۷} و شباهت زیادی پیدا می‌نماید با قرارداد اجاره زیرا بر اساس توافق صورت گرفته، به نوعی منتقل‌الیه مالک منافع می‌گردد.^{۷۸} به همین منظور در تعیین ماهیت حقوقی قرارداد لیسانس چنین تفکیکی مهم می‌نماید.

از منظر تحلیل اقتصادی وضعیت مذکور مطلوب نیست. فقدان قالب مشخصی برای قرارداد لیسانس هزینه مذاکره و انعقاد قرارداد را افزایش می‌دهد و طرفین را مجبور می‌سازد در خصوص هر بخش قرارداد به مذاکره بنشینند. این وضعیت در مرحله حل اختلاف نیز وجود دارد. تفاسیر متعدد و گاه متعارض در روند یک دادرسی حقوقی هم قدرت حسابگری را از طرفین قرارداد سلب می‌کند؛ علاوه بر آن که هزینه‌های حسابداری و غیر آن را بر طرفین تحمیل می‌کند. در صورتی که وجود یک قالب مشخص برای قراردادهای مذکور می‌تواند منجر به کاهش هزینه‌های معاملاتی گشته و با مشخص ساختن وظایف طرفین در وضعیت‌های مختلف قراردادی، اتخاذ راهبردهای همکارانه را برای آن‌ها تامین کند. با این حال با توجه به تحلیل حقوقی برگزیده درباره قالب قرارداد لیسانس می‌توان از دریچه تحلیل اقتصادی نیز معتقد بود موضوع قرارداد لیسانس کالای اطلاعاتی است که در زمره کالاهای عمومی قرار می‌گیرد. کالای عمومی در ادبیات اقتصادی با دو ویژگی شناخته می‌شود. نخست اینکه ثابت و تمام نشدنی است یعنی مصرف یک نفر از میزان کمیت قابل دسترس برای دیگران نمی‌کاهد و دوم غیرقابل انحصار بودن است بدین معنا که وقتی تولید می‌گردد هیچ شخصی نمی‌تواند مانع مصرف آن شود به همین دلیل امکان دسترسی افراد متعدد در زمان و مکان متعدد فراهم است و همواره عده زیادی خواهان استفاده از آن هستند که هر یک ارزشی مجزا برای آن قائل می‌باشند (Leonard:2003, PP 29-30) به همین دلیل، پذیرش قالبی که بتواند امکان جذب سرمایه را در تمام بازارهای موجود برای انتقال دهنده فراهم آورد و قابلیت دسترسی را برای هر بازاری فراهم سازد می‌تواند به کارایی اقتصادی بیشتری منجر شده و علاوه بر افزایش میزان سود انتقال دهنده (عرضه کننده) امکان پاسخگویی به تقاضای موجود در بازار را تحقق بخشیده و در نهایت به رفاه اجتماعی منجر شود. از همین رو تعیین قالب قراردادی «حق انتفاع» از آنجا که امکان جذب تمام تقاضای موجود در بازار را برای لیسانس دهنده نسبت به قالب قرارداد اجاره که تنها امکان پاسخگویی به یک تقاضا را به تولید کننده می‌دهد کارآمدتر است و انتظارات معقول تولید کنندگان و مصرف کنندگان را که افزایش سود براساس هزینه‌های تولید و مصرف است را تحقق می‌بخشد.

از منظر هزینه فرصت نیز پذیرش قالب حق انتفاع کارایی بیشتری به دنبال دارد. بر این مبنا در صورتی که قالب قرارداد لیسانس را مالکیت منفعت توجیه نمایم به دلیل ماهیت موضوع قرارداد که عبارت از اطلاعاتی است که با یک بار انتقال دیگر قابل برگشت نیست، انعقاد یک قرارداد سبب می‌شود که تولید کننده دیگر کالایی برای دیگر متقاضیان نداشته باشد و هزینه فرصت گزافی را بپذیرد در حالی که تعیین قالب حق انتفاع به دلیل اینکه امکان عرضه بیشتر در شرایط زمانی و مکانی متعدد را برای

47-Exclusive license give to the licensee certain positive rights.

۴۸- برخی از حقوقدانان خارجی نیز بر این نکته تاکید نموده‌اند که قرارداد لیسانس انحصاری، شباهت زیادی پیدا می‌نماید با قرارداد اجاره.

...a lease may provide a better analogy, at any rate in the case of an exclusive IP license .see Marchese, (David:2009, p.192.)

متقاضیان بیشتر که هر کدام ممکن است ارزشی متفاوت را برای کالا قائل باشند فراهم می کند سبب کاهش هزینه فرصت و ایجاد انگیزه بیشتر برای مبادلات در بازار می گردد.

۳-۲- موضوع قراردادهای لیسانس

نکته دیگری که در تحلیل قواعد تکمیلی در حوزه قراردادهای لیسانس حائز اهمیت است، توجه به موضوع خاص این دسته از قراردادها است. در حقیقت، موضوع قراردادهای لیسانس از جنس اموال غیر محسوس است که تفاوت آشکاری با اموال مادی دارد. به واقع امر، موضوع این دسته از قراردادها از جنس فکر و ایده است و مفهوم جدیدی بوده که حاصل تحولات اقتصادی و علمی قرن معاصر است. البته باید توجه داشت که تفاوت میان اموال فیزیکی و اموال اطلاعات محور تفاوت در نوع نیست تا در نتیجه در طبقه اموال قرار نگیرد، بلکه تفاوت در درجه بوده و موجب می گردد که این اموال اقتضائات خاص خود را داشته باشد.^{۴۹} (Singleton, 2005: 45) به عنوان مثال، در مواردی که در قرارداد لیسانس، اختراع مورد نظر معیوب باشد به این معنا که اختراع انتقال داده شده از حیث تجاری انتظارات لیسانس گیرنده را برآورده ننماید، و یا از حیث فنی، کارکرد مناسب را نداشته باشد^{۵۰} برخی از نویسندگان حقوقی قائل به وجود خیار عیب در این زمینه هستند (محمودی، ۱۳۹۳: ۱۲۶-۱۲۷) با این حال، به نظر می رسد قراردادهای اطلاعات محور از این خصیصه برخوردار هستند که قابل استرداد نمی باشند؛ چراکه اطلاعات ارائه شده قابل بازگشت نیست. (انصاری و دیگران، پیشین: ۴) علت این موضوع به ماهیت ویژه موضوع قراردادهای لیسانس باز می گردد، همچنان که در قرارداد انتقال فناوری (در حقیقت یک قرارداد لیسانس به همراه انتقال دانش فنی و اختراع مورد نظر است)، در صورت وجود عیوب در موضوع قرارداد، فناوری پذیر نمی تواند قرارداد مذکور را به استناد خیار عیب فسخ نماید زیرا اصولاً دانش فنی قابل بازگشت نبوده و مضافاً بر آن که موجب دارا شدن بلاجهت فناوری پذیر می گردد. (جعفرزاده و دیگران، پیشین: ۲۶۴) نمونه دیگر که حاکی از توجه ویژه به اقتضائات خاص قراردادهای لیسانس آن است که اگر چند نفر به صورت مشاعی مالک دارایی فکری همچون گواهی اختراع باشند؛ هر یک از آن ها می توانند بدون اجازه سایرین از گواهی اختراع مربوطه استفاده نمایند اما بدون اذن سایرین حق انتقال آن را به دیگران نخواهند داشت. به عبارت بهتر، تصرفات مادی نیاز به اذن سایر شرکا نداشته در حالی که تصرفات حقوقی نیاز به اجازه شرکا دارد. (Vivien: 2008, 143) موضوعی که بر خلاف قواعد حقوقی نظام کالا است چراکه مطابق ماده ۵۸۱ قانون مدنی تصرفات هر یک از شرکاء در صورتی که بدون اذن یا خارج از حدود اذن باشد فضولی بوده و تابع مقررات معاملات فضولی خواهد بود. اما در مقابل، مطابق ماده ۵۸۳ قانون مذکور هر یک از شرکاء می تواند بدون رضایت شرکاء دیگر سهم خود را جزئاً یا کلاً^{۵۱} به شخص ثالثی منتقل کند. بازگشت موضوع اخیر در واقع تأکید بر این نکته دارد که استفاده مادی از اطلاعات منافاتی با حقوق سایر شرکا ندارد؛ در حالی که در تصرفات حقوقی، موجب می شود افراد دیگر نیز بر آن استیلا پیدا نمایند و این موضوع مخالف حقوق شرکا است. در واقع، تفاوت ذاتی میان کالا و اطلاعات موجب می شود که قواعدی کاملاً مخالف را به وجود بیاورد اما منطبق و اساس قانون در هر دو یکسان

۴۹- در رابطه با مطالعه برخی ویژگی های خاص کالای اطلاعات محور ر.ک (انصاری و دیگران، ۱۳۹۱: ۴)

۵۰- البته باید توجه داشت در صورتی که اختراع فاقد وصف کاربردی داشتن باشد و قابل استفاده در صنعت مورد نظر نباشد و در دنیای واقعی کاربرد عملی نداشته باشد مطابق بند الف و ب ماده ۴ قانون ثبت اختراعات مصوب ۱۳۸۶ باطل است.

است؛ چرا که مبنای تدوین قواعد شرکت، حمایت از حقوق سایر شرکا است که در حوزه اطلاعات، تصرفات مادی ملازمه‌ای با تعدی به حقوق سایر شرکا ندارد، در حالی که تصرفات حقوقی بر خلاف قاعده استفاده انحصاری از دانش و اطلاعات است. بنابراین همان‌گونه که ملاحظه می‌گردد در تدوین و تفسیر قواعد تکمیلی قراردادهای لیسانس باید اقتضائات خاص موضوع قرارداد مورد توجه قرار بگیرد.

اما از جهت تحلیل اقتصادی، تناسب میان تطبیق قوانین با ماهیت مورد معامله با عنایت به اصل عقلانیت ابرازی^{۵۱} که با مفهوم عقلانیت هدف - وسیله^{۵۲} توجیه می‌گردد و بیانگر آن است که انسان اقتصادی برای رسیدن به اهداف خود به صورت سنجیده و حسابگر تلاش می‌کند تا موثرترین ابزار را برگزیند، امری لازم و ضروری است.

(Hargrove's Heap, 2004, PP 42-60) به عبارت دیگر، نقطه آغاز رفتار مصرف‌کننده با همین فرض گره خورده است به طوری که مصرف‌کننده از میان کالاهای در دسترس، مواردی را انتخاب می‌کند که بیشترین رضایت مندی را از مصرف آنها به دست می‌آورد و آنها را چنان بر می‌گزیند که به بهترین نحو بتواند بیشترین ترجیحات و مطلوبیت را برای او به ارمغان آورد. بنابراین در صورتی که قوانین نتوانند این ترجیحات را برآورده سازند کارایی نظام حقوقی کاهش یافته و در ورطه عمل نیز به دلیل نبودن قوانین متناسب، افزایش هزینه معاملاتی، تحقق مبادله در بازار مخدوش می‌گردد و در نهایت، به دلیل کاسته شدن از انگیزه تولید، انتقال اطلاعات رفاه عمومی کاهش می‌یابد. به دیگر سخن با تعریف صحیح حقوق مالکیت، هزینه مبادله کاهش یافته و تخصیص منابع صرف نظر از تخصیص اولیه حقوق مالکیت کارآمد خواهد شد.

این بیان وقتی محقق می‌گردد که تناسب میان قوانین با ماهیت مورد معامله رعایت شده باشد (Pejovic, 2012, P 84) زیرا در صورت ناکارآمد بودن ساختارها و قواعد ناظر بر ارائه اطلاعات، هزینه‌های اجتماعی زیادی برای جامعه ایجاد می‌شود و از آنجا که هزینه تولید اولیه اطلاعات زیاد است؛ اگر اشخاص خصوصی بدانند که هزینه آنها در مبادله به دلیل عدم تناسب قوانین با ماهیت اطلاعات، باز نمی‌گردد؛ برای تولید اطلاعات هزینه نخواهند کرد و در نهایت، رفاه اجتماعی نهایی متضرر خواهد شد (kingma:2001, PP 6-7)

نتیجه‌گیری -

عدم وجود مقررات خاص در زمینه حقوق قراردادهای لیسانس و پیشرفت روزافزون صنعت و به خصوص اقتصاد اطلاعات محور این ضرورت را ایجاد می‌کند سامان دهی در خصوص قواعد حاکم بر این حوزه وجود داشته باشد، همچنان که گام‌های نخستین آن به خصوص در حوزه قراردادهای لیسانس نرم افزار در نظام حقوقی آمریکا برداشته شده است. به همین منظور،

51 Instrumental Rationality

52 Means-ends rationality

پژوهش حاضر ضمن توجه به این مهم و با بررسی تطبیقی در متری ترین نظام حقوق مالکیت فکری، این نکته را آشکار می کند که در مطالعه قواعد حاکم بر قراردادهای لیسانس، وجود مقررات حوزه کالا به تنهایی پاسخ گوی نیازهای جدید این حوزه نمی باشد، به همین منظور، در تبیین قواعد حاکم بر این قراردادها باید توجه ویژه ای به بستر تجاری قراردادهای مالکیت فکری، قالب قراردادی لیسانس و ماهیت خاص قراردادهای اطلاعات محور داشت. چراکه چنین تمهیدی می تواند از منظر تحلیل اقتصادی حقوق به کاهش هزینه های معاملاتی در مرحله انعقاد و اجرای قرارداد منجر شود و با تبیین وضعیت های گونه قراردادی بر مبنای تئوری بازی ها امکان اتخاذ راهبردی مشخص را برای طرفین قرارداد فراهم سازد.

در واقع، هنگام تعیین قواعد حاکم بر قرارداد لیسانس، شناخت صحیح بستر تجاری قراردادهای مالکیت فکری، منجر خواهد شد؛ تعهداتی بر طرفین قرارداد تحمیل شود که حقیقتاً در ارتکاز ذهنی آن ها وجود داشته بنابراین با پذیرش این نکته، از منظر تحلیل اقتصادی نیز در شرایط نبود قانون مشخص، استناد به عرف معاملاتی و معتبر دانستن شروط عرفی می تواند هزینه معاملاتی را کاهش دهد. اما در خصوص قالب قراردادی و نقش آن در تعیین قانون حاکم و به تبع، تعهدات طرفینی قرارداد؛ اگر چه چنین موضوعی در نظام حقوقی ایران همچون نظام حقوقی آمریکا در هاله ای از ابهام و اختلاف نظر است اما عرف تجاری چنین قراردادهایی و همچنین تحلیل اقتصادی موبد این نظر است که در نظام حقوقی ایران، قالب قراردادی حق انتفاع می تواند در لیسانس ساده مورد توجه قرار بگیرد زیرا از آن جا که موضوع قرارداد لیسانس از جنس اطلاعات است و می تواند همزمان در دسترس افراد متعدد قرار بگیرد قابل تطبیق با مفهوم کالای عمومی در ادبیات اقتصادی است که این موضوع خود موجب افزایش کارایی اقتصادی است مضافاً بر آن که از منظر هزینه فرصت نیز تعیین قالب حق انتفاع، به دلیل اینکه امکان عرضه بیشتر در شرایط زمانی و مکانی متعدد را برای متقاضیان بیشتر که هر کدام ممکن است ارزشی متفاوت را برای کالا قائل باشند فراهم می کند سبب کاهش هزینه فرصت و ایجاد انگیزه بیشتر برای مبادلات در بازار می گردد. همچنین در خصوص توجه به ماهیت موضوع قرارداد در لیسانس که از جنس اطلاعات است گذشته از این که در تحلیل های حقوقی می تواند آثار متفاوتی را به دنبال داشته باشد از منظر اقتصادی نیز تناسب میان قوانین با ماهیت مورد معامله باید رعایت گردد؛ زیرا در صورت ناکارآمد بودن ساختارها و قواعد ناظر بر ارائه اطلاعات، هزینه های اجتماعی زیادی برای جامعه ایجاد می شود و از آن جا که هزینه تولید اولیه اطلاعات زیاد است؛ اگر اشخاص خصوصاً بداند که هزینه آن ها در مبادله به دلیل عدم تناسب قوانین با ماهیت اطلاعات، باز نمی گردد؛ برای تولید اطلاعات هزینه نخواهند کرد و در نهایت، رفاه اجتماعی نهایی متضرر خواهد شد

منابع و مأخذ

الف- فارسی

۱. احسنی افروز، محمد، (۱۳۹۲) حقوق انتقال فناوری، چ اول، تهران، نشر دادگستر.
۲. انصاری، باقر، انصاری، اسماعیل، (۱۳۹۱) حقوق اطلاعات از منظر تحلیل اقتصادی، مجله مطالعات حقوق تطبیقی، دوره ۳ شماره ۲، پاییز و زمستان، صص ۱ الی ۲۱.

۳. بادینی، حسن، اشراقی آرانی، مجتبی، (۱۳۹۰) پیش بینی رفتار طرفین عقود و دعاوی بر اساس نظریه بازی ها، مطالعات حقوق تطبیقی، شماره ۱، صص ۲۵-۵۰.
۴. جعفرزاده، میرقاسم، عباس تبار فیروزجاه، (۱۳۹۴) مجید، ابطال گواهی نامه اختراع تعهد به استرداد عوضین در قراردادهای انتقال حق اختراع، ویژه نامه شماره ۱۶ مجله تحقیقت حقوقی، صص ۲۶۹-۲۳۹.
۵. جلالی، رضا (۱۳۸۷) راهنمای تحلیل نیاز قانون گذاری، مرکز نشر پژوهش های مجلس شورای اسلامی، چ اول، تهران.
۶. خاندوزی، احسان (۱۳۸۶) معیارهای اقتصادی در قانون گذاری نوین، مجلس و پژوهش، شماره ۵۴، سال ۱۳، صص ۲۷۹-۳۰۱.
۷. ریدی، دیویدایی (۱۳۹۲) فلسفه حقوق - ترجمه دکتر حسن خسروی، مجمع علمی و فرهنگی مجد، چ اول، تهران.
۸. زینلی، سمانه، (۱۳۹۲) مورد معامله و توابع آن در قراردادهای لیسانس فناوری، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی تهران.
۹. سالواتوره، دومینگ (۱۳۹۶) تئوری اقتصاد و مسائل اقتصاد خرد، ترجمه حسن سبحانی، نگاه دانش، چ ششم، تهران
۱۰. شاکری، عباس (۱۳۸۹) اقتصاد خرد، نشر نی، چ نهم، تهران.
۱۱. صفایی، سید حسین، (۱۳۸۵) قواعد عمومی قراردادهای، چ چهارم، تهران، نشر میزان.
۱۲. عباس تبار فیروزجاه، (۱۳۹۴) مجید، تاثیر ابطال گواهی اختراع بر وضعیت قراردادهای انتقال فناوری، رساله دکتری، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی تهران.
۱۳. کوتر، رابرت، یولن، تامس، (۱۳۹۲) حقوق و اقتصاد، ترجمه یدالله دادگر و حامده اخوان هزاره، انتشارات دانشگاه تربیت مدرس، چ اول، تهران.
۱۴. محسنی، سعید، قبولی درافشان، سید محمد مهدی، (۱۳۹۲) بررسی فقهی حقوقی ماهیت قرارداد انتشار، مطالعات اسلامی: فقه و اصول، سال چهارم و پنجم، شماره پیاپی ۹۲، صص ۱۲۴-۱۰۱.
۱۵. محمدی، پژمان، ماهیت و اثر قراردادهای بهره برداری از حقوق مؤلف، فصلنامه مدرس، پاییز ۳، شماره ۳ دوره ۱۲، ۱۳۸۷، صص ۱۹۱-۱۴۵.
۱۶. محمودی، اصغر، (۱۳۹۳) حقوق قراردادهای انتقال فناوری، چ اول، تهران، انتشارات جنگل.
۱۷. منیکو، گریگوری، (۱۳۸۸) نظریه اقتصاد خرد، ترجمه حمید رضا ارباب، چ دوم، تهران.

۱۸. مورس، اس چارلز، اون آر، فلیس، (۱۳۹۳) تحلیل اقتصادی و نظریه های کاربردی، ج ۱، ترجمه احمد کمیجانی و حسن سبحانی، انتشارات دانشگاه تهران، چ شانزدهم، تهران.
۱۹. وکیلان، حسن (۱۳۹۰) گفتارهایی در قانون و قانون گذاری، مرکز نشر پژوهش های مجلس شورای اسلامی، چ اول، تهران.

ب-عربی

۲۰. علامه حلی، حسن بن یوسف، (۱۳۸۸ ه.ق) تذکره الفقهاء چ اول، قم، در یک جلد، مؤسسه آل البيت عليهم السلام.
۲۱. کرکی، علی بن حسین، (۱۴۱۴ ه.ق) جامع المقاصد فی شرح القواعد، چ دوم، قم، مؤسسه آل البيت عليهم السلام.
۲۲. مراغی، سید میر عبد الفتاح بن علی، (۱۴۱۷ ه.ق) العناوين الفقهية، ۲ جلد، چ اول، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲۳. نائینی، میرزا محمد حسین غروی، (۱۳۷۳ ه.ق) منية الطالب فی حاشية المكاسب، ج ۲، چ اول، تهران، المكتبة المحمدية.
۲۴. نجفی، محمد حسن، (۱۴۰۴ ه.ق) جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، چ هفتم، بیروت لبنان، دار إحياء التراث العربی.

ج-لاتین

25. Allart, Henri, (1887) De La Propriété Des Brevets D'Invention, Arthur Rousseau, Paris.
26. Allison & Mark A. Lemley, (2000) Who's Patenting What? An Empirical Exploration of Patent Prosecution, 53 Vanda. L. Rev.
27. Brennan, Lorin, Esq. and Jeff Dodd, Esq, (2016) A Concept Proposal for a Model Intellectual Property Contracting Law, available in www.uncitral.org/pdf/english/colloquia/3rdSecTrans/.
28. Broacher, Jean, (2006) Contracting out of article 2 using a "license" label: a strategy that should not work for software products, 40 Loy. L. A. L. Rev. 261, 280 Provided by: University of Washington Law Library.
29. Byrne, Noel & McBratney, Amanda, (2005) Licensing Technology, Negotiating & Drafting
30. Calabresi, Guido (1968) , Transaction Costs, Resource Allocation and Liability Rules: A Comment Journal of law and Economis, No2, pp 67-98.

31. D. Marchese,(2009) “*Warranties and Covenants In IP Licenses,*” Journal Of Intellectual Property Law & Practice 4, no. 3 January 18
32. Devlin, Alan, (2010) *the Misunderstood Function of Disclosure in Patent Law*, 23 Harv. J.L. & Tech.
33. Duffy, John F., (2004) *Rethinking the Prospect Theory of Patents*, 71 U. CHI. L. REV.
34. Eisenberg, Rebecca S., (1989) *Patents and the Progress of Science: Exclusive Rights and Experimental Use*, 56 U. Chi. L. Rev.
35. Federal reporter, volume 89, 3rd Series, Minnesota, west Publishing.
36. Hargrives Heap, Shaun. P (2004) *Economic Rationality*, uk, Edward Elgar Publisher.
37. Hargrives Heap, sharpe (2004)*Economic Rationality*,Elgar publisher, London.
38. Kimball, Dennis R., (1981) *Strict Tort Liability of Inventors for Defective and Dangerous Inventions: The Issue May Be On the Horizon*, 10 CAP. U. L. REv. 803, 815-17.
39. Kingma, Bruce R.(2001), *The Economics Of Information , a Guide to Economic and Coast Benefit analysis*. For Information professional, Englewood Colorado, 2ed Libraries.
40. Kissman, Lee ,(2004)*Revised Article 2 and Mixed Goods/Information Transactions: Implications for Courts*, Santa Clara Law Review Volume 44 | Number 2 A
- Ladas ,Stephen, (1975) *Patents, Trademarks, and Related Rights: international protection*, V 1,Harvard university Press
41. Lemley ,Mark A .(2012)*The Myth of the Sole Inventor* , Michigan Law Review, Vol. 110:709
42. Lemley, Mark A.Ragesh K. Tangri, (2003) *Ending Patent Law's Willfulness Game*, 18 Berkeley Tech. L.J. 1085, 1100-01
43. Leonard, Penny, (2003), *Promoting Welfare? Government Information policy and social citizenship*, The Police Press.
44. Lichtman, Doug,(2005) *Substitutes for the Doctrine of Equivalents: A Response to Maurer and Nard*, 93 Geo. L.J. n.42
45. Manfred, Lowisch (2003) *Nw Law of Obligations in Germany*, Ritsumeikan Law Review No. 20
46. Marchese, David, (2009) *Warranties and covenants in IP licenses* Journal of Intellectual Property Law & Practice, Vol. 4, No. 3.
47. Meislik Ira, Horn Dennis, (2010)*The Commercial Lease Formbook: Expert Tools for Drafting and Negotiation*, Second Edition, ABA Publishing,
48. Nimmer, Raymond T, (1998) *Breaking Barriers: The Relation between Contract and Intellectual Property Law*, Berkeley technology law journal, Vol. 13:827.
49. Nimmer, Raymond T, (2006) *Essay on Article 2's Irrelevance to Licensing Agreements*, An, 40 Loy. L. A. L. Rev. 235, 260 Provided by: University of Washington Law Library
50. Nimmer, Raymond T., (2000) *Through the Looking Glass: What Courts and UCITA Say about the Scope of Contract Law in the Information Age*, 38 Duq. L. Rev. 255, 318 Provided by: University of Washington Law Library
51. Oddi, Samuel, (1996) *Un-Unified Economic Theories of Patents-The Not-Quite-Holy Grail*, 71 NOTRE DAME L. REV. 267, 275-77.
52. Pejovic , Svetozar , (2012), *Economic analysis of institutions and systems*, Springer , Kluwer Academic publishers
53. Plantinga, Alvin(1993) *Warrant the current Debate*, Oxford University Press, New York.
54. Posner,Richrd(1973) *Economic analysis of law*, Aspenser publisher, New York.

55. Raysman, Richard, Pisacreta, Edward A., Ostrow, Seth H., Adler, Kenneth A, (2006) intellectual Property Licensing: Forms and Analysis, law journal press, New York.
56. Robert B. Doe and Jen C. Salyers, (2007) the law and business of computer software (west Services, Inc., Ch. 18 (2d ed.) published in KATHERYN A. ANDRESEN.
57. Singleton, solveig, (2005) IP as conflict resolution: a micro view of IP, San Diego law review, vole, 42 issue, 2005.
58. Smith, A.Stophen(2004) contract theory: 'Introduction to General Theories' and 'the Justification of Contractual Obligations, Oxford University Press, New York.
59. Stigler ,George,j (1996) The Theory of price, Macmilan,3 ed, New York.
60. Technology Transfer Agreements, 3rd ed., Jordan's Publishing Limited.
61. Vivien , Irish, Intellectual Property Rights for Engineers, Institution of Engineering and Technology, London, United Kingdom ,2nd Edition, 2008
62. William T. Vukowich, (1968) Implied Warranties in Patent, Know-How and Technical Assistance Licensing Agreements, California law review, Vol. 56:168, pp168-197.

legal and economic Analysis of applicable legal rules on license contract
(Examination of US legal System approach to present guidance for Iranian Legal system)

Abstract:

Applicable rules on Intellectual properties contracts such as innovation licenses is one of the challenging issues of legal systems. The essential question is contractual issues like the formation of contracts, the obligations of parties; methods of dissolution of the contract,

etc. are subject to which rules? US legal system has a problem to answer this question in the legislative, judiciary, and doctrine areas. In the legislative area, there are efforts to specialize applicable rules on license contract and particularly software. Nevertheless, the states do not approve this specialization due to its generalization and similarity to the law of goods contracts. In the judiciary area, the approach of the majority of courts is an inclination to apply laws of goods contracts on information-based contracts. However, contrary to majority's view and according to practical doctrine, in order to determine appropriate rules, one has to address the particular subject of these contracts and mainly commercial custom of a license contract and macro policies of intellectual properties systems. Thus, in Iranian Law, we must distinguish the complementary rules from mandatory rules. In consideration of complementary rules, one must examine the commercial context of intellectual properties contracts, contractual forms of the license, and nature of subject-matter (Information). In consideration of mandatory legal rules, the legal system of innovations must be identified accurately, and its applicable rules will be analyzed and codified in the light of them.

Keywords:

License, Contract law, complementary rules, commercial custom, foundations of innovation's system, legal and economic analysis